

نقد و بررسی

سیری در مسار الشیعه

* نوشتة: سید محمد رضا حسین جلالی*

* ترجمه و تتمیم: جویا جهانبخش*

چکیده

مسار الشیعه که التواریخ الشرعیه نیز خوانده شده است، یکی از رسائل عالم بزرگ شیعه، شیخ مفید (۳۲۶-۴۱۲ ه.ق)، و در موضوع خود از دیرینه‌ترین یادگارهای میراثی امامیه بهشمار می‌رود.

مسار الشیعه، نوعی تقویم دینی-تاریخی است برای متدينان. شیخ مفید در این رساله مناسبات‌ها و یادبودها و روزهایی را که از حیث تاریخ دین یا آعمال عبادی اهمیّت دارند (مانند موالید و وفات‌های عید غدیر و عید فطر و ...) می‌شناساند و احیاناً درباره رخدادهای تاریخی این روزها یا بایسته‌های رفتاری آن به توضیح و روش‌نگاری می‌پردازد.

این گفتار، سیری در مسار الشیعه شیخ مفید را موضوع خود قرار داده و علی‌الخصوص به جوانبی از خصایص و امتیازات آن به نحو تحلیلی و تفصیلی پرداخته است.***

کلیدواژه: مسار الشیعه، التواریخ الشرعیه، تقویم دینی - تاریخی، شیخ مفید.

*. متخصص در پژوهش‌های رجالی و حدیثی و استاد عربی زبان علوم اسلامی (ساکن حوزه علمیه قم).

**. پژوهنده در متون کلامی و حدیثی (حوزه علمیه اصفهان).

***. متن اصلی مقاله، فصلی است از کتاب نظراتی تراث الشیعه المفید و هر آنچه درون قلابهای شکسته آمده از ترجمان است.

هر تمدن و امتی، روزها و مناسبت‌هایی معین دارد که در تاریخ آن امت و تمدن حائز جایگاهی ویژه است و از همین روی در میان اهل آن تمدن می‌پاید، و خواه شاد و فرح انگیز باشد و خواه اندوهبار، آن مردمان، عزیز و گرامی اش می‌دارند و مراسمی به یاد آن برگزار می‌کنند.

تمدن اسلامی، بر یادبودها و مناسبتها یی چند اشتغال دارد که قرآن کریم به عنوان «أَيَّامٌ مَعْلُومَاتٍ»^۱ (روزهای شناخته) یا «أَيَّامُ اللَّهِ»^۲ (روزهای خدا) آنها را به بزرگی یاد کرده است و گاه-مانند روزِ بدرو روزِ حُنین و روزِ احزاب و ... از آن‌ها نام نیز برده است.

تعیین این روزها و تبیین تاریخ رخدادها و حوادث‌شان، یکی از اموری است که همگان در قبال آن مسؤول‌اند: نخبگان اسلامی باید به ثبت و ضبط آن بکوشند و همه امت باید یاد آن را جاودانه سازند و گرامی و محترم دارند، تادر جانها و یادها پاید و به نسلهای دیگر انتقال یابد.

شارع بزرگوار نیز، از برای مناسبتها گوناگون، وظایف ویژه‌ای به تناسب سرشناسی از یک از مناسبتها، مقرر گردانیده است.

از اینجاست که مؤمنان می‌باید تاریخ این مناسبتها و ایام و اعمالشان را بدانند، زیرا «شناخت این باب» آنسان که شیخ مفید در پیشگفتار این کتاب می‌گوید: «از پیرایه‌های نهاد ایمان است و مغفول نهادنش از برای خداوندگاران فضل و ایمان زشت شمرده می‌شود».

بلکه عنایت و اهتمام در این راستا، از دیرباز، از مؤمنان و کسانی که به امور دینی اهتمام می‌ورزند معهود و ملحوظ بوده است؛ چنان‌که شیخ مفید نیز گفته:

شایستگان این طایفه - که خدایش نگاه داراًد - در درازنایِ روزگاران، این تاریخ‌ها را پاس می‌داشته‌اند تا در آنها، با رعایتِ تفاوتی که میان اوقات شادمانی و زمانهای اندوه هست، مراسم عبادی بر پای دارند و از طریق طاعتها و گزاردن آنچه عمل بدن در روزهای یاد شده لازم است به خداوند تقرّب جویند و آینهای دینی را اجرا نمایند.

<شیخ بزرگوار، مفید (۴۱۳-۳۳۶ ه. ق)، این رساله ارجمند معروف به نام مسأله الشیعه را از برای ثبت و گزارش و اعلام و تعلیم همین مناسبتها و یادبودها و تاریخهایی که دانستن آنها را برای شیعیان در بایست می‌دانسته است، به قلم آورده.

او در مقدمهٔ مساز الشیعه خاطرنشان می‌سازد که یکی از استادانِ وی در علوم نقلی در همین موضوع رساله‌ای پرداخته بوده است که به سبب اختصار بیش از حد، نیاز مخاطب را برآورده است. از همین روی، شیخ، خود دست به کار شده و این کتاب را پرداخته است.^۳

این کتاب آن‌سان‌که از عنوانِ ابوابش پیداست و پیشگفتارش نیز نشان می‌دهد، تنها در بردارندهٔ یادکرد مناسبتهای خوش و شادی آفرین نیست، بلکه مناسبتهای اندوه‌بار را نیز در بر دارد.

از همین روی این‌که در نامگذاری کتاب مساز الشیعه آمده است و بس، نه درست است و نه درونمایه کتاب را می‌رساند و نه با هدف نویسندهٔ سازگار می‌افتد.

از پیشگفتارِ کتاب چنین بر می‌آید که نام آن از این قرار باشد:

«محضر فی تاریخ أيام مساز الشیعه و أعمالها من الترب فی الشریعة، و ما خالف فی معناه» (یعنی: مختصراً در تاریخ ایام شادمانی شیعه و اعمالِ تقرّب آفرین‌اش در شریعت، و آنچه در معنا مخالف آن باشد).

این عنوان، تاریخ‌های ایام شادمانی و ایام اندوه و اعمال و عباداتِ تقرّب آفرین‌هر یک را در بر می‌گیرد.

کسانی هم که این کتاب را التواریخ الشرعیة نامیده‌اند و بس، باز از یادکرد اعمال که بخشی کلان از درونمایه کتاب را تشکیل می‌دهد، غفلت کرده‌اند.

«شیخ مفید در همین موضوع مساز الشیعه، تالیفِ دیگری داشته است موسوم به حدائق الریاض و زهرة المرواض که البته گویا بزرگتر از مساز الشیعه بوده است. اگر چه حدائق الریاض به دست ما نرسیده است، دستنوشتی از آن که در زمان حیات مؤلف کتابت شده بوده است در اختیار ابن طاوس بوده و او بارها در اقبال از آن بهره برده. از آنچه ابن طاوس از حدائق الریاض نقل کرده است بر می‌آید که دست کم بخشی از این اثر از حیث درونمایه، مانندگی بسیار به مساز الشیعه داشته است.^۵

از سرنوشتِ حدائق الریاض، پس از روزگار ابن طاوس، آگاهی روشنی نداریم؛ لیکن خوبی‌خانهٔ مساز الشیعه در قالب چند دست‌نوشته بازمانده و چند بار هم به چاپ رسیده و در معرضِ دید و داوری جای داشته است و دارد.

شیوهٔ شیخ در تالیفِ این کتاب، آن است که:

اوّلاً: در یادکرد مناسبتها و شرح وقایع، با تکیه بر دیگر مؤلفاتش که ویژه این مقصود پرداخته - مانند کتاب المزار و الإرشاد و المقمعة که بدانها احواله می‌کند - بنا بر

شماره اول و دوم
تئیین
۱-۲۷۰

گُزیده گویی و کوتاه سخنی می‌نهد. تنها در برخی مناسبتها لختی به تفصیل سخن رانده است، مانند روز غدیر که شعر حسّان را در آن مناسبت یاد کرده^۶ و نیز مناسبت بیتوٰة امام علی -علیه السلام- بر بستر پیامبر -صلی الله علیه و آله- در شب هجرت که آن حضرت بدین عمل، خود را بلاگردان رسول خدا ساخت و شیخ آن را با حدیث غار همراه گردانیده است.

ثانیاً: کتاب را بر ترتیب ماه‌های عَربَی سامان داده و با «ماهِ رمضان» آغاز کرده و آن را از چند روی نخستین ماه قلمداد نموده است:

۱. به سبب تقدّمش در آیت مُحکَم قرآنی.

۲. از آن روی که نزد خاندان پیامبر -صلی الله علیه و آله- نخستین ماه دین اسلام است.

۳. از آن روی که این ماه برهان جدایی میان ماه‌های حرام است و ماه رجب از آنهاست.

این وجه سوم به سبب خَلَلِ که در دستنوشت‌های موجود هست، برای ما روشن نشد و باید بازکاوی گردد.

گویا تنها شیخ مُفید چُنین ترتیبی را از برای ماه‌های سال عربی آورده است و جای آن هست که متخصصان پژوهش در کم و کیف تاریخ اسلام، به تحقیق در آن پردازنند.

ثالثاً: شیخ پس از آن که مناسبتهای مختلف را در ماهها یاد می‌کند، تحت عنوان هر مناسبت، اعمال واجب و مستحبّی را که در آن مناسبت وارد شده است، بنابر روایات و اخبار رسیده از اهل بیت -علیهم السلام-، مذکور می‌دارد.

البته طبیعی است که برخی عبادات تفصیلی و تفاصیل برخی عبادات، در رساله کوچکی چون مَسَارُ الشِّيْعَةِ نَجْدٌ.

نمونه را، شیخ در شمار مستحبات نیمة ماه رجب، خواندن نیایشِ أمّ داود را بر می‌شمرد و می‌نویسد: «این نیایش در نگارش‌های هم‌کیشانِ ما به نحو مبسوطی که در اینجا به سبب اختصاری که پیش گرفته‌ایم - در نمی‌گنجد، آمده است».⁷

از نکاتِ جالِبِ مَسَارُ الشِّيْعَةِ دستورالعملی است که شیخ در موردِ ختمِ قرآنِ کریم در ماهِ رمضان ارائه می‌کند. بنابراین دستورالعمل در هر شب ماه رمضان یک جزء از قرآن و هر جزء سه بار تلاوت می‌گردد.^۸ بدین ترتیب هر یک از مؤمنان در ماهِ رمضان سه بار قرآن کریم را ختم می‌کند.

و امّا تأمّلاتی ویژه این کتاب:

۱. این متن از کتابهای اندک‌شماری است که شیخ خود نوشته، برخلاف بیشترینه آثارش که به املای اوست. پس می‌توان بر نسخه مُحَقَّق آن تکیه کرد، و عباراتش را بر این بنیاد که از خود شیخ مُفیداند، مورد اعتنا قرار داد.
۲. تاریخ تألیف کتاب، آن‌سان که در پایان آن آمده است، سال «۳۸۹» است؛ و این تصریح به سال تألیف نیز بُندرت در دیگر آثار و کارهای علمی شیخ دست‌یاب می‌گردد.

در اینجا انجام‌های را که آن بزرگ از برای مساز الشیعه نوشته است می‌آوریم که هم بر تاریخ فراغ از تألیف دلالت دارد و هم نمونه‌ای از انجام‌نویسی شیخ مفید را به دست می‌دهد:

و اتفق الفراغ من تسوييد هذه الأوراق بعون الله و حسن توفيقه السادس عشر
ربيع الأول سنة تسع و ثمانين و ثلاثةمائة على يد العبد الفقير إلى الله الغنّي،
محمد بن محمد بن النعمان -أصلح الله حاله.^۹

۳. این کتاب در عین آن که منبع تاریخی مهم و معتبری به شمار می‌رود، به عنوان یکی از نمونه‌های ممتاز جاودان میراث شیخ مفید، پژوهندگان را در تبیین فلسفه تاریخ از دیدگاه اسلامی سود می‌رساند.

«باری، مساز الشیعه‌ی شیخ مفید، در درازنای زمان، مورد استناد و استفاده گروه پُر‌شماری از عالمان و فقیهان امامیّه بوده است.^{۱۰} البته این بدان معنا نیست که جمیع تواریخ و مُختارات شیخ مفید در این کتاب مورد تبعیت پسینیان واقع شده باشد.

از نکات توجه برانگیز -و چه بسا تعجب‌انگیز- مساز الشیعه آن است که ولادت امیر مؤمنان علی -علیه السلام- را در روز بیست و دوم ماه رجب یادآوری می‌شود.^{۱۱} مصحح محترم مساز الشیعه، آقای شیخ مهدی نجف، در هامش ضمن توجه دادن به این که «در بیشترینه نسخه‌ها، متن چنین است»، خاطر نشان می‌کند که سیره گُزاران هم داستان‌اند که آن حضرت در روز سیزدهم زاده شده است.^{۱۲}

پسینیانی که از مساز الشیعه استفاده کرده‌اند بیشتر آن را به مثابت یک مصدر حدیثی یا تقویم تاریخی (به تعبیر درست‌تر: تقویم ویژه تاریخ دین و عبادات آن) نگریسته‌اند؛ لیکن حقیقت این رساله کم حجم پرفائد، بس فراتر از اینها، و درونمایه‌اش گرانبها تر و جانش فربه‌تر از آن است که در همین حد و اندازه نگریسته شود.

۱۴) میتوانند از این نکته استفاده کنند.
۱۵) این نکته را در اینجا برای توضیح داده ایم.

مسار الشیعه، یک تقویم تاریخی- عبادی است و در این تردیدی نیست. ولی این تقویم از قلم یک منکلم و مناظره گر چیره دست، بلکه یک بیدارگر و مصلح، و همان سان که گفته اند، و راست گفته، - از قلم «علم امت» تراویده است. چیرگی گرایش‌های مصلحانه و بیدارگرانه و متکلمانه بر پیشینه بخشی‌های توضیح دار مساز الشیعه، چیزی نیست که از دیده ناظر بصیر پوشیده بماند.

پاره‌ای از مناسبتها که شیخ بدانها توجه می‌دهد، یا مراسم عبادی خاصی را اقتضا نمی‌کنند، و یا بعد مراسمی در آنها کم‌رنگ است؛ به نظر می‌رسد شیخ با یادآوری این مناسبتها بیشتر در پی زنده نگاهداشت تاریخ و پیشینه‌ای است که حضورشان در یادها، خود به خود با پاره‌ای استارهای ارزشی و مواضع آرمانی و جهتگیری‌های عقیدتی همراه خواهد شد.

او در گزارش روز هشتم ذی الحجه، مقدم بروز نکته و مناسبت دیگر، می‌نویسد: «در این روز که روز ترویه است، مسلم بن عقیل - که رحمت خدای بر او باد - به فراخوانی به سوی سرورمان ابوعبدالله حسین - علیه السلام - پدیدار گردید»؛^{۱۳} و در گزارش روز نهم، پس از یادکرد آداب و مناسبتها این نکته را می‌افزاید که «در این روز مسلم بن عقیل - که خداوند ازو خشنود باد - به شهادت رسید». ^{۱۴} در گزارش نیمة همین ماه می‌نویسد:

... محاصره عثمان بن عفان [در این روز] شدّت یافت و طلحه و زبیر در میان جماعت مهاجران و انصار سرای او را در میان گرفتند و پی‌جوابیه ازو خواستند تا خود را از خلافت بر کنار دارد، و او از این روی در آستانه هلاک قرار گرفت.^{۱۵}

شیخ مفید، با یادآوری هایش درباره تاریخ کربلا و شکل‌گیری نهضت حسینی، یا با آنچه درباره فتنه قتل عثمان و تکون تاریخی آن متذکر می‌گردد، در واقع، می‌خواهد رخدادهایی را که گروهی همواره به دلایلی واضح و انکارناپذیر و با نیتهاي شوم و رسوا خواسته‌اند تا تحریف کنند و از این راه جبهه حق و باطل را در پس ابرهای تردید و ابهام فروپوشند، در حافظه امت زنده بدارد و دست محرفان و دهان وارونه‌گویان را فروشکند و بازبندد.

حفظ خاطره این رخدادها، آنسان که بوده و رفته است، ذهن‌های جویا و اندیشه‌های پویا را به تحلیل می‌کشاند و بر مسنّد پرسش از انگیزه‌ها و چرایی‌های

رخدادها می‌نشاند. این چیزی است که خدمتگزاران طواغیت بنی‌امیّه و بنی‌عباس و میراث‌داران ایشان همواره از آن بیمناک بوده‌اند، و در عین حال چیزی است که بیدارگران اقالیم قبله و سپیده گُشا‌یانی چون شیخ مفید همواره به تحقیق آن امید بسته و اذهان و اندیشه‌ها را به سوی آن فراخوانده‌اند.

شیخ در گزارش‌های روز هجدهم ذی‌الحجّه خاطرنشان می‌کند که:

در همین روز بعینه، در سال سی و چهارم هجری عثمان بن عفّان به قتل رسید، و آن روز هشتاد و دو ساله بود. از خانه بیرون ش آورده و بر یکی از مزبله‌های مدینه‌اش افکنند. از بیم مهاجران و انصار هیچ‌کس به خاکسپاری اش اقدام نمی‌کرد تا این‌که ... پس از سه روز پنهانی او را برگرفتند و در حش کوکب که گورستان یهودیان مدینه بود دفن کردند. پس چون معاویه حکومت یافت آن را به گورستان مسلمانان متصل گردانید.^{۱۶}

این گزارشِ مصّرح شیخ بیش از هر چیز غبار غفلت و نسیان را از روی واقعیت‌هایی که خُدام طواغیت می‌کوشیدند تا از یادها برود می‌زداید و حال و هوای واقعی مدینه را در آن روز و واکنشی را که کُنش‌های خلیفه و پیرامونیانش آفریده بود بر ملا می‌دارد. وی در ادامه گزارش درباره همین روز می‌نویسد:

در همین روز بعینه، پس از عثمان، مردمان با امیر مؤمنان علی بن ابی طالب -علیه‌السلام- بیعت کردند و کار [خلافت] در آشکار و نهان بدان حضرت بازگشت و همگان به خواست خویش و از سر اختیار بر آن همداستان گشتند.^{۱۷}

این هم از شگفتی‌های روزگار است. یعنی در همان روز هجدهم ذی‌الحجّه (مطابق عید سعید غدیر) که دستگاه خلافت سقیفه آنسان -در نظر و عمل- بهزادون خاطره‌اش کمر بر بسته بود، خلافتِ ظاهری امیر مؤمنان نیز تحقیق و وقوع یافت.

شیخ در مناسبتهای ماه رمضان از پیکار بدر یاد می‌آورد و می‌نویسد:

... در روز هفدهم این ماه پیکار با مشرکان در بدر رخ داد و فرشتگان از جانب خدای تعالیٰ به پیاری پیامبر او -علیه‌السلام- فرود آمدند و اهل کفر و طغیان در بلا افتادند و فرق میان حق و باطل پدیدار گشت و از این رهگذر اهل ایمان ارجمندی یافتدند و اهل ضلال و عدوان خوار شدند. در این روز صدقه مستحب است و مستحب است در این روز که روز عید و شادمانی مسلمانان است، بسیار شکر خدای متعال را بر نعمت روشنگری که به خلق ارزانی فرموده به جای آرند.^{۱۸}

در روز نیمه به سال سوم هجری، کارزار احمد رخ داد و در آن روز شیر خدا و شیر رسول خدا و سرور شهیدان وقت و زمان خویش، عمومی رسول خدا - صلی الله علیه و آله -، حمزه بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف - که خدای ازو خشنود باد و خشنودش کناد - به شهادت رسید.

و در آن واقعه، شکیبا یانی که همراه پیامبر خدا - علیه السلام - ماندند و مستضعفان و منافقانی که گریختند، از یکدیگر پدیدار آمدند و نشان فضیلتی از برای امیر مؤمنان - علیه السلام - در این روز هویدا گردید که جبرئیل - علیه السلام - در میان فرشتگان مقرّب بدان آواز برداشت و آن حضرت را در علیین بهار چمندی ستود و رسول خدا - صلی الله علیه و آله - از آن روی پایگاه او را در تبار و دیانت هویدا فرمود.

این روزی است که چون رسول خدا - صلی الله علیه و آله - در آن مصیبت عمومی خود و یاران اخلاص پیش خویش دید و از کردار مشرکان آزار و رنج بدان حضرت رسید، مؤمنان در آن از بسیاری کامرا و ایها پرهیز می کنند.^{۱۹}

آگاهی و آگاهی بخشی و باریک^{۲۰} بینی در سخن شیخ مفید موج می زند: توجه به اهمیت روز احمد در تاریخ اسلام، توجه به مقام بلند حضرت حمزه، توجه به حدود و تغور معنای لقب «سید الشهداء» در حق آن حضرت، توجه به آنچه در احمد از گریز سُست دلان و منافقان و پایداری شکیبا یان دانسته شد، توجه به مَناقبی که از امیر مؤمنان علی - علیه السلام - به ظهور و ثبوت رسید، و ...

شیخ در گزارش های مربوط به ماه ذی الحجه، در شب بیست و پنجم، دهش و از خود گذشتگی خانواده امیر مؤمنان علی - علیه السلام - را در حق «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» یادآوری می شود که سه گرده نانِ جوین که قوتشان بود تصدق کردند و برخورداری آن در ماندگان را بر برخورداری خویش برگزیده، خود روزه پیوستند، و یادآور می گردد که در روز بیست و پنجم «هل أتى على الإنسان ...» [سوره ۷۶] در حق امیر مؤمنان علی و حضرت فاطمه زهرا و فرزندانشان، حسن و حسین، - سلام الله عليهم أجمعين - فروд آمد.^{۲۱}

یادکرد چنین مناسبتها در تألیفی چون مساز الشیعة، نه تنها خاطره این مناقب و فضائل اهل بیت عصمت و طهارت - علیهم السلام - را در یاد آمّت زنده نگاه می دارد، طریقِ اقتدا بدین بزرگواران را نیز به آمّت یادآوری می کند و سیره عَمَلی پیشوایان دین را فراروی پیروان می نهد.

شیخ در یادکرد روز سوم ذی الحجّه از آنچه به سال نهم هجری رفته است یاد می‌کند: فرود آمدن جبرئیل -علیه السلام- با فرمان منع ابوبکر از بُردن و رسانیدن «سوره برائت» و وانهادنش به امیر مؤمنان علی -علیه السلام-، واقعه‌ای که به تعبیر هوشیارانه شیخ مفید عَزَلی آسمانی از برای ابوبکر بود و ولایت دادنی آسمانی از برای امیر مؤمنان علی -علیه السلام.^{۲۱}

شیخ، مرگ ابوبکر را و نیز جانشینی عمر را به نصّ و تعیین وی در روز بیست و هفتم ماه جمادی الآخره،^{۲۲} زخم خوردن عمر بن خطاب را در بیست و ششم ذی الحجّه، و مرگ او را در بیست و نهم ذی الحجّه،^{۲۳} تنها یاد کرده است و گذشته. در کشته شدن عثمان نیز چیزی جُز اشارت به ایستارها و درگیریهای واقع در مدینه نمی‌گوید.

این نحوه برخورد با خلیفگانِ سقیفه که ایستار شیخ درباره ایشان روشن است،^{۲۴} حکایت از آن دارد که شیخ تنها با ورق زدن دفتر تاریخ و از طریق تذکار مناسبها، می‌خواهد خاطره آنچه را در غَصب خلافت رفت از نسیان پاس دارد. به یادآوردن این نقطه‌های گردش مسیر تاریخ، در ذهن مخاطب، خاطره همه آن کرده‌ها و رفته‌ها را زنده می‌دارد: این که مِنْبَرِ ثُبُوت در اختیار چه کسانی قرار گرفت و چه حکمها و چه داوریها از مَسْتَدِنْشیان خلافت صادر شد؛ چگونه امثال معاویه و مروان بر سریر عزّت جای گرفتند و چه زمینه‌هایی مرگ غریبانه ابودر را در رَبَّدَه تمهید کرد؛ و ...؛ و

در گزارش سوم صفر، جسارت‌های مسلم بن عقبه را به کعبه و مسجدالحرام در زمانی که از سوی یزید بن معاویه بن ابی سفیان به کارزار عبدالله بن زُبیر آمده و عبدالله به کعبه پناه چُسته بود، یادآور می‌شود؛^{۲۵} و بی این که به داوری بنشیند با همین گزارش گوشهای از مثالب بنی امیه را گوشزد می‌کند.

در روز بیستم ماه جمادی الأولی، شیخ، «فتح بصره» را گزارش می‌کند و «فرود آمدن یاری خدای بزرگوار را بر امیر مؤمنان -علیه السلام-». همین و بس؛ و همین بس است، زیرا خاطره جنگ بصره و این که به چه تزویری فتنه جَمل بر ساخته شد و این که چرا و به چه بهانه بر خلیفه وقت خروج کردند و جان و مال مسلمانان را به تاراج گرفتند و آنچه در کارنامه بر نشیننده جَمل ثبت افتاد...، همه و همه با همین اشارت زنده می‌تواند شد.

در مناسبهای ماه ربیع الأول، در روزدوازدهم، انقضای دولت بنی مروان را

بادآوری می‌کند؛^{۲۷} و در نیمة ماه جُمادی الآخرة کشته شدن عبداللّه بن زبیر بن عوام را.^{۲۸}

شیخ در گزارش مناسبهای روز عید فطر (اوّل شوال) پس از توضیحاتی مبسوط درباره این روز بزرگ و آیین‌های آن، در پایان، این را هم خاطرنشان می‌کند که: و در همین روز بعینه، یعنی در روز یکم شوال از سال چهل و یکم هجری، خدای متعال یکی از فراعنه این امت، یعنی عمر و بن عاص، راهلاک گردانید و مسلمانان را از او آسایش بخشید و شادمانیهای مؤمنان بدین خاطر دو چندان شد.^{۲۹}

شیخ در تأثیف دیگر خود موسوم به حدائق الرياض و زهرة المرتاض -که اگرچه از دست رفته، منقولاتی از آن در اقبال ابن طاوس آمده است-، معاویه را به همین وصف «یکی از فراعنه این امت» یاد کرده.^{۳۰} در مسار این وصف در حق معاویه نیامده ولی از سالروز هلاکت او سخن رفته است.

شیخ مفید معاویه را به مثبت علم جدایی جبهه حق از باطل مجال طرح داده، پس از یاد کرد سالروز هلاکت او، می‌نویسد: «و این روز، روز شادمانی مؤمنان و اندوه اهل کفر و طغیان است».^{۳۱}

در مساز الشیعه، ضمن تأکیدی تجلیل آمیز در حق هفدهم ربیع الأول به عنوان زادروز رسول خدا -صلی اللہ علیہ و آله- و گزارش آداب و عبادات آن، می‌خوانیم: و پیوسته شایستگان آل محمد -علیهم السلام- از دیر زمان این روز را بزرگ می‌داشته و حقش را می‌شناخته و حرمتش را مراعات می‌کرده‌اند....^{۳۲} تصویر و تأکید شیخ بر پیشینه‌مندی اهمیت و شناختگی این روز نزد خاندان رسالت -علیهم السلام- احتمالاً روی در نفی و نقد قولی دارد که دوازدهم ربیع الأول را به عنوان زادروز پیامبر -صلی اللہ علیہ و آله- می‌شناساند و در آن زمان نیز نزد بعض شیعه آن قول مورد توجه بوده است.^{۳۳}

شیخ مفید از برای روز ششم ماه مبارک رمضان دو مناسبت را مذکور می‌دارد: یکی فرو فرستادن خدای تعالیٰ تورات را بر حضرت موسی بن عمران -علیه السلام-، و دیگر بیعت (/بیعت ولا یتعهدی) با حضرت علی بن موسی الرضا -علیه السلام-. شیخ در پی یاد کرد این مناسبت می‌فرماید:

و این روزی ارجمند است که در آن شادی مؤمنان نو می‌شود و مستحب است که در آن صدقه و احسان به مسکینان صورت بند و خدای را -که نامش گرامی است- بر آنچه که از حق آل محمد -علیهم السلام- پیدا گردانید و بینی منافقان را به خاک مالید سپاس بسیار گزارده آید.^{۳۴}

این سخنان شیخ به خوبی مُبین ایستار شیخ درباره آن رخداد پیچیده تاریخی، یعنی بیعت با حضرت علی بن موسی الرضا -علیه السلام- است. ایستار شیخ به روشنی فرمایند که وی آن بیعت با امام رضا -علیه السلام- را پیروزی بزرگی برای اهل ایمان و جبهه تشیع می‌بیند.

شیخ مفید در گزارش روز نخست ماه صفر کشته شدن «زید بن علی بن الحسین -علیهم السلام-» را یاد می‌کند و این روز و مناسبت را روزی می‌خواند که در آن اندوه‌های آل محمد -علیهم السلام- نو می‌شود.^{۳۵} این گزارش و توضیح مفید، نمودار ایستار همدلانه او نسبت به زید شهید -علیه السلام- است.

روز عاشورا و سوک آن از مهمترین مناسبت‌هایی است که شیخ مفید بدانها پرداخته است، وی با یادکرد نوشدن اندوه آل محمد -علیهم السلام- و پیروانشان در این روز و با تکیه بر روایات به اجتناب از لذات و بر پای داشتن سوکواری («إقامة سنن المصائب») و پاره‌ای آداب و عبادات دیگر سفارش می‌کند و چهار روایت در بیان اهمیت و مَوْبَات زیارت سالار شهیدان در شب و روز عاشورا می‌آورد.^{۳۶}

عاشورا -همانطور که انتظار می‌رود- مهم‌ترین واقعه اندوه‌هباری است که شیخ مفید بدان پرداخته و در توضیح درباره آن بسط سخن داده است.

شیخ روز چهاردهم ربیع الأول را به مناسبت هلاک یزید روز سُرور مؤمنان اعلام می‌دارد و از وی به عنوان «المُلِحِّدُ الْمُلْعُونُ» یاد کرده با عبارت «ضاغَتَ اللَّهُ عَلَيْهِ العَذَابُ الْأَلِيمُ» («خداوند شکنجه در دنا ک وی را دو چندان گُناد» نام یزید را بدرقه می‌کند).^{۳۷}

ای بسا تصريح مُغَلَّظ شیخ بدین صفات «یزید» پلید، موضع گیری در برابر نواصبی باشد که در روزگار قدیم می‌کوشیدند به نحوی حقیقت پوشی کنند و یزید را از پلیدیها و رسوابی‌های بی‌شمارش تبرئه و تنزیه نمایند.

شیخ در گزارشی که از لیلة التبیت و سپس ماجرای غار ارائه می‌کند، در حقیقت، یکی از مناقب شاخص امیر مؤمنان علی -علیه السلام- را در برابر یکی از مَثَالِب ابوبکر بن ابی قحافه می‌نهد.

شیخ، بامداد آن شب را، روز تجدید سُرور شیعیان به واسطه رهایی رسول خدا-صلی اللہ علیہ وآلہ-از دشمنان و ظهور آیات و نصرت الهی در حق آن حضرت و روز حُزن ناصبیانی می شمرد که در این باب به ابوبکر اقتدا می کنند و محزون می مانند.^{۳۸} اشارت شیخ مفید به حُزن نواصب در این روز احتمالاً کنایتی است استهزا آمیز در حق نواصب و اشاره به این که اگر آنان براستی پیروی ابوبکر را لازم می دانند باید در این روز به او اقتدا کنند و محزون و نگران باشند!! چنانکه او بود!!

یکی از مناسبت هایی که شیخ مفید یاد می کند و امروز کمتر مورد توجه است، وفات عبدالطلب نیای پیامبر-صلی اللہ علیہ وآلہ-است که شیخ آن را در روز دهم ربیع الأول و از حیث سنتات تاریخ در سال هشتم پس از عام الفیل و هشت سالگی پیامبر-صلی اللہ علیہ وآلہ-گزارش می کند.^{۳۹} تصریح به این مناسبت و تصریح به عبارت دعایی «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ» (/ خداوند ازو خُشنود باد) پس از نام شریف حضرت عبدالطلب، ای بسا مُقَوّم ایستار معنادار شیخ مفید در برابر جریانهای ناصبی و افراطی سنی باشد که درباره مسأله ایمان پدر و نیاکان پیامبر-صلی اللہ علیہ وآلہ-ایستاری جسارت آمیز داشتند.

این نکته هم یادآوردنی است که شیخ در یادکرد سالروز وفات حضرت عبدالطلب هیچ تصریحی به سوک نکرده، خصوصاً که همین روز را سالروز ازدواج پیامبر اکرم-صلی اللہ علیہ وآلہ-با ام المؤمنین خدیجه-سلام اللہ علیها-اعلام کرده است.^{۴۰} در اینجا نکته مهمی جلب توجه می تواند کرد و آن این است که پیامبر-صلی اللہ علیه وآلہ-در همان سالروز وفات نیای بزرگوارش و در حالی که هفده سال از وفات عبدالطلب گذشته بوده^{۴۱} ازدواج فرموده و تقارن با روز وفات آن بزرگوار را مانع یا ناشایست ندانسته است. این نکته از این نظر که برخی اندازه ناشناسان افراطی در سالهای اخیر خواتیار تشخّص بخشیدن به سوکواری های دامنه دار در سالروز وفات یا شهادت یکایک وابستگان خاندان رسالت-علیهم السلام-اند و مُحِدّنه در اکثار ایام وَقَیَّات و شهادتها می کوشند، حائز اهمیت بسیار است.

هر گاه وفات حضرت عبدالطلب از سوکواریهای رسمی خاندان رسالت نباشد، ای بسا شماری از وَقَیَّات دیگر را نیز نتوان و نباید به سوکواریهای رسمی و متشخّص بدل کرد.

یکی از نکات فوق العاده جالب و مهم در کتاب مساز الشیعه، آن است که مناسبتهای

اندوهبار، نه بیشتر، و نه حتی همچند مناسبتهای شادی آفرین‌اند؛ بلکه غلبه با مناسبتهای شاد و سُرورآمیز است؛ چرا که هرچند تقریباً به ازای هر مناسبت مسّرت‌بخش ولادت، از یک مناسبت اندوهبار وفات یا شهادت نیز سخن رفته است؛ اوّلاً، گام به گام مناسبتهای شادی آفرین متعدد دیگری مذکور و ملحوظ گردیده‌اند که کفه شادمانی و فَرَح را سنگین و پر بار می‌نماید؛ مناسبتها بی مانند پیروزیهای نظامی مسلمانان و پاره‌ای از فتوحات معنوی اولیا الهمی.

ثانیاً، همانگونه که در ولادتهای اولیای دین بر یک نقل اقتصار رفته است، در باب وَقَيَّات و شهادتها نیز به یک روایت بسته شده. متأسفانه در این هر دو مورد در جامعه کنونی شیعه (دست‌کم در ایران که خوب از آن با خبریم)، کاستی هست. یعنی:

اوّلاً، بسیاری از مناسبتهای شادی آفرین مهم، مغفول افتاده و حتی بعض عالمان دین و دین و زمان متعهد و پاییند نیز یا توجه جدی بدانها ندارند و یا از بُن ملتفت لزوم توجه کردن و توجه دادن بدین مناسبتها نیستند.

ثانیاً، در مناسبتهای اندوهبار و حُزن آمیز گاه بیش از یک روایت و نقل مورّد تمّسک واقع گردیده و تعدد مراسم سوکواری در یک مناسبت واحد لیک زمانهای مختلف مُسْتَحْسَن شمرده شده است.^{۴۲} این در حالی است که:

۱. نفسی همین تعدد و اختلاف، در مناسبتهای شاد، مورد تمّسک واقع نگردیده و نمونه را، ولادت امام حُسَيْن -عليه السلام- که زمان آن مورد اختلاف است، تنها و تنها در سوم شعبان جشن گرفته می‌شود.

۲. عنایتی نمی‌رود که تعدد در این موضوعات، بتدریج سبب وهن می‌گردد و کم‌کم اهمیّت و شاخصیّت اصل مناسبت را تحت الشّعاع قرار می‌دهد.

همانگونه که در دیگر مسایل و مناسبتهای تاریخی، رفع تعدد نظر و تشتن اقوال مطلوب است، در این مناسبتها نیز چنین مطلوبیتی وجود دارد و می‌توان قول اقوی را بر دیگر اقوال ترجیح داد و اختیار کرد.

این که سعدی می‌گفت: «اگر شبها همه قدر بودی، شب قدر بی قدر بودی»،^{۴۳} بیش از یک آرایه‌گری ادبیانه، از واقعیّتی عُرفی و نگاه واقع‌بینانه انسان‌شناسانه حکایت می‌کند.

چیرگی شادمانی بر مَسَارِ الشّیعَة، تنها از بُعدِ کَمَّی نیست، بلکه از بُعدِ کیفی نیز هست.

به دیگر سخن، اغلب - و نه همه جا -، توصیه‌های عملی و رفتاری مربوط به مناسبت‌ها (خاصه آنچه به نمود و ظهور جمعی در می‌آید)، در موقع شادی، مبسوط‌تر و مؤکد‌تر مجال طرح یافته است. علی‌الخصوص شیخ به سرایت دادن شادی و شاد گردانیدن دیگر مؤمنان در این موقع توجه جدی نشان داده است.^{۴۴}

نکته دیگر آن است که شیخ علی‌الظاهر «شادی»‌های دینی را تحت الشعاع اندوه‌ها نشمرده و منفعل ندانسته است.

توضیحاً باید عرض کنم که شادیها اغلب در نظر ما در برابر غمها منفعل و اضمحلال پذیراند.

به یاد دارم که سالها پیش متن استفتائی را دیدم که طی آن از فقیهی بسیار دان پُرسیده بودند که اگر یک مناسبت شاد دینی (مثلًاً: ولادت یکی از امامان معصوم - علیهم السلام -) با مناسبتی اندوه‌بار (مثلًاً: شهادت یکی از امامان معصومان - علیهم السلام -) مطابق افتاده باشد، کدام را باید اعتبار کرد و ترجیح داد. آن فقیه، در پاسخ جانب مناسبت اندوه‌بار را گرفته بود. هیچ به یاد ندارم دلیل این ترجیح را نیز یاد کرده بود یا نه. اکنون چندیست که وی رخت به سرای پایدار کشیده و در کتاب بخشایش ایزدی آرمیده است. توجیهی که همان زمان درباره این ترجیح به گوش رسید یا در ذهن زاده شد، این بود که چنین ترجیحی، موافق عملکرد عُرف انسانی است. اگر در روز سُرور و شادمانی - و مثلًاً: عروسی - ی کسی، پدرش جان بسپارد، دست کم در عُرف ما، آن مجلس سُرور تحت الشعاع سوک و عزا واقع خواهد شد و جلسه شادمانی به سوکواری بدل خواهد گردید. تا هم امروز این توجیه را صواب انگاشته‌ام و از همین روست که می‌گوییم: اغلب، در نظر ما، چنین شادیها در برابر چنان غمها منفعل‌اند.

لیک گویا شیخ مفید این‌سان نمی‌اندیشیده و هویّت مستقل هر مناسبت را لحاظ می‌کرده است.

چنین چیزی از آنچه درباره نوزدهم و بیستم و بیست و یکم ماه رمضان گفته است بر می‌آید.

شیخ در گزارش شب نوزدهم ماه رمضان از ضربت خوردن مولانا امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب - علیهم السلام - در این شب یاد می‌کند و استغفار بسیار و درود فراوان بر پیامبر - صلی الله علیه و آله و نیایش مُخلصانه به درگاه خدای متعال از برای نوشدن

عذاب بر ستم کشندگان بر این خاندان و بسیار لعنت فرستادن بر گشته
امیرمؤمنان - علیه السلام - را در زمرة مستحبات این شب یاد کرده می نویسد: «و این
شبی است که در آن اندوه اهل ایمان، نومی شود». ^{۴۵}

در گزارش شب بیست و یکم نیز پس از یادکرد معراج رسول خدا - صلی الله عليه و
الله - و فراز رفتن عیسی بن مریم - علیهم السلام - و درگذشت موسی بن
عمران - علیه السلام -، و درگذشت وصی آن حضرت، یوشع بن نون - علیه السلام -، که
در این شب بوده است، از وفات امیرمؤمنان - علیه السلام - در این شب یاد می کند و
آنگاه می نویسد:

و این شبی است که اندوه های آل محمد - علیهم السلام - و پیروانشان در آن
نومی شود ... [و از مستحبات آن] درود بسیار بر محمد و آل
محمد - علیهم السلام - و سخت کوشی در نفرین بر کسانی است که بر ایشان ستم
کرده اند و لعن پیوسته بر کشندگان امیرمؤمنان - علیه السلام - و ... ^{۴۶}

وانگهی شیخ در میان این دو شب اندوهبار - که خود به حُزن و ماتم در آنها تصریح
می کند، از بیستم ماه رَمَضَان سخن می دارد و پس از یادکرد فتح مکّه در این روز، روز
بیستم را «عید مسلمانان» و «روز شادمانی به سبب نصرت خدای متعال در حق
پیامبر - علیه السلام - و عمل به وعده ای که به آن حضرت فرموده بود و آشکار
ساختن حقّانیت آن حضرت و بر باطل بودن دشمنان او» اعلام می کند و پیشگامی در
کارهای نیک و ذکر پیوسته خدای متعال و شکر گزاردن به درگاه او را از برای نعمت
بزرگی که ارزانی داشته است، از مستحبات این روز می شمرد. ^{۴۷}

به دیگر سخن شیخ مفید، در سه روز متوالی از دو سوک سترگ و یک جشن بزرگ
در میان آن دو سوک سخن می دارد و هر مناسبت را استقلالاً ملحوظ می سازد.

شیخ که سالروز ولادت امامان دین - علیهم السلام - را روز سُرور مؤمنان می شناسد
و می شناساند، از چرایی این شادمانی هم به صراحة سخن می دارد. نخستین سالروز
ولادت که در مساز الشیعه مجال طرح یافته است سالروز ولادت های امام حسن بن
علی - علیهم السلام - و محمد بن علی بن موسی - علیهم السلام - است، هر دو در نیمه
ماه مبارک رمضان. شیخ پس از یادکرد این دو ولادت خجسته، درباره این روز
می نویسد:

... و این روز شادمانی مؤمنان است و مستحب است که در آن صدقه داده

شود و گام به کارهای خیر پیش نهاده شود و بسیار سپاس خدای تعالیٰ بگزارند
بر این که حجت خوبی را هویدا فرمود و دین خود را به وسیله خلیفه اش در
میان جهانیان و پسر پیامبرش سرور فرستادگان - صلوات الله علیه و آله
بر پایی داشت.^{۴۹}

شیخ در مسارات الشیعه به مناسبت‌های دینی امتهای پیشین نیز اشارت می‌کند، و نمونه را، از سالروز فرود آمدن تورات^{۵۰} و همچنین انجیل^{۵۱} و یا شبی که عیسی بن مریم -علیهم السلام- به آسمان فراز بُرد شد^{۵۲} و ... سخن می‌دارد. در این اشارتها به احوال انبیا و اولیای پیشین و امتهای گذشته، حکمت‌هایی چند را می‌توان بازجُست.

یکی این که این اشارتها به نوعی بر پیوند اسلام و شریعت محمدی با ملت‌های آله‌ی پیشین تأکید می‌ورزد و بر استمرار «دین خدا» انگشت می‌نهد.

دیگر این که این مناسبتها ای بسا ثبات پاره‌ای از سنت‌های آله‌ی را فرا یاد مخاطبان آورده. فرود آمدن وحی، و این که پیامبران و اوصیاء ایشان نیز سرانجام رفتند اند، و این که ای بسا خداوند نبی خود را از آمتش غایب بدارد بی آنکه مرگ او را دریافت‌باشد،

سديگر اين که پاره‌ای از اين مناسبتها با برخی مناسibت‌هاي اين امت مقترب است و اى بسا اين اقتران‌ها معنادار باشد. نمونه را، شهادت امير مؤمنان علی -عليه السلام- در همان شبی است که خداوند عیسی بن مریم -عليهم السلام- را فراز برد و موسی بن عمران -عليه السلام- و همچنین وصی آن حضرت، یوشع بن نون -عليه السلام-، در گذشتند.^{۵۳}

شیخ مفید در مسار الشیعه به تاریخ تشریح نیز بذل عناایت کرده است و نمونه را در روز دوازدهم ماه ربیع الآخر یک مناسبت ذکر می‌کند و آن این‌که در چنین روزی در سال نخست هجری، فیضه نما حَضَرَ و سَفَرَ استقرار یافت و تبریت شد.^{۵۴}

از نکات تأمل برانگیز مسار الشیعه، سخنی است که شیخ مفید- رضوان الله علیه - درباره شب نیمه شعبان می‌نویسد: «... و این شبی است که مسلمانان همگی - و اهل کتاب آن را بزرگ می‌دارند.»^{۵۶}

آیا او در این باب بر نقل‌های قدیم اعتماد می‌دارد یا از کُنش اهل کتاب روزگار خود خبر می‌دهد؟ ... باب تأمل باز است.

شیخ مفید فصل نخست مساز الشیعه را که درباره «ماه رمضان» است، با وصف پاره‌ای از فضائل این ماه می‌آغازد تا خواننده را به توجه بدین ماه مبارک و کوشایی عبادی در آن برانگیزد. او پس از این که با تکیه بر مأثورات ماه رمضان را «سرور ماهها» (/ سید الشهور) و «بهار مؤمنان» (/ ربیع المؤمنین) می‌خواند، یادآور می‌شود که «صالحان این ماه را مضمدار می‌نامیده‌اند».^{۵۷}

«مضمار» در زبان عربی به چند معنا که البته پیوندی استوار نیز با یکدیگر دارند به کار می‌رود: یکی، میدان اسب‌دوانی؛ دیگر، جای پرورش و تمرین دادن اسب؛ سدیگر، دوره و مدت پرورش و تمرین دادن؛ چهارم، نشانه یا خط پایان مسابقه اسب‌دوانی.

در اینجا به نظر می‌رسد اطلاق «مضمار» بر ماه رمضان، از راه مانند کردن آن به میدان اسب‌دوانی باشد، چه خلق در این ماه در عرصه عبادت و فرمانبری خداوند و احسان و نیکوکاری بر یکدیگر سبقت می‌جویند.^{۵۸}

ابن طاوس از همین راه نیایش نامه‌ای را که از برای ماه رمضان پرداخته و معمولاً در آغاز اقبال او جای داده می‌شود، مضمدار السبق (یا: المضمدار للسباق) خوانده است.

نام «مضمار» نهادن بر ماه رمضان، به نحو قریب به یقین، به اقتباس از لسان حدیث صورت گرفته است؛ چه در حدیث شریف آمده است که: «إِنَّ اللَّهَ -عَزَّوَجَلَّ -خَلَقَ شَهْرَ رَمَضَانَ مِضْمَارًا لِّخَلْقِهِ ...»^{۵۹} (یعنی: «حق - سبحانه و تعالیٰ - ماه رمضان را آفریده است به منزله میدان اسب تاختن از جهت خلائق ...»).^{۶۰}

شیخ ماه رجب را به عنوان «الشهر الأصم» (ماه گنگ) یاد می‌کند و آنگاه چرا بی این تسمیه را یادآور می‌شود:

عربها در این ماه تاراج و پیکار و خونریزی نمی‌کردند، و در آن نه آوازی جُنبشی سلاح به گوش می‌رسید و نه شیوه اسبان و نه بانگ و غوغای پیکار و گردآمدن مردان.^{۶۱}

شاید در نگاه نخست، یادگرد لقب أصم و آنگاه بر شکافتن و بازگفت چرایی نامگذاری اش، کاری یکسره ادبیانه و واژه‌شناسانه بنماید؛ لیکن گمان ندارم خواست و آهنگ شیخ از این کار بر افزودن آگاهیهای واژه شناختی خواننده باشد. شیخ درایستاده تا «میراث فرهنگی اسلام» را از رهگذر مناسبتها به نسلهای سپسین منتقل سازد و این کار را چونان رسالتی اسلامی پیشه کرده است. مفهوم و مأمور افتادن تعابیر و

مصطلحاتی که مسلمین درباره روزها و ماهها به کار برده‌اند، لازمه انتقال این میراث است، و شیخ برای این انتقال، به تفہیم و تبیین تعابیر و مصطلحات روی آورده. پس کامه او، در نهاد و نهان خویش، واژه پژوهی نیست؛ دین‌گستری است.

آثار شیخ مفید گنجینه‌ای از نکات و دقائیق فقه‌الحدیثی در خود دارد، و - با توجه به فقر متون و مطالعات مُدوَّن موجود در حیطه فقه‌الحدیث^{۶۲} و ضرورت اصطیاد نکات فقه‌الحدیثی از جای جای تراث پیشینیان -، بازکاوی نگارش‌های او از این دیدگاه بغایت درباریست می‌نماید. مسار الشیعه نیز با همه اجمال و اختصارش -البتہ - از این دایره بیرون نمی‌ماند.

شیخ مفید در مسار الشیعه در گزارش ماه رجب و مستحبات آن، پس از نقل روایتی گرانبار از یادکرد پادشاهی کسی که ایامی مشخص از این ماه و یا همه این ماه را روزه بدارد نکته فقه‌الحدیثی بسیار مهمی را خاطر نشان می‌کند. می‌نویسد: «این [پادشاه و تحقیق آنها] هنگامی است که انسان، مؤمن باشد و از کبائر تباہی آفرین بپرهیزد؛ چنان که خداوند -که نامش ارجمند است - فرموده: «إِنَّمَا يَنْهَا اللَّهُ مِنَ الْمُنَّقِّيْنَ» [س ۵۵] اس ۲۷ یعنی: خداوند تنها از پرهیز کاران در پذیرد.^{۶۳}

این یادآوری شیخ، در واقع، دست ردّی است بر سینه بروخدهای حشویانه با احادیث پادشاهها و پادغفارهایها. اهمیّت ارشاد فقه‌الحدیثی شیخ در این مورد، آنگاه دو چندان می‌شود که فرایاد آوریم که بحث از چون و چند و قال خیز تمدن اسلامی بوده است. عبادات، هنوز و همیشه یکی از بحثهای زنده و قیل و قال خیز تمدن اسلامی بوده است. ابن طاوس در اقبال از دستنوشتی از مسار الشیعه بهره می‌برده است که در زمان زندگانی شیخ مفید کتابت شده بوده.^{۶۴} البته او از این اثر با عنوان التواریخ الشرعیة یاد می‌کند.^{۶۵}

امروز نیز خوشبختانه دستنوشتی از مسار الشیعه به دست داریم که در زمان زندگانی مؤلف کتابت گردیده است و تاریخ ۳۹۱ ه. ق دارد. این دستنوشته که در کتابخانه دانشگاه تهران نگهداری می‌گردد، روزگاری در اختیار حضرت شیخ بهاء الدین محمد عاملی (معروف به شیخ بهایی / در گذشته به ۱۰۳۰ ه. ق) بوده است.^{۶۶}

مسار الشیعه، جزو چاپ متداوی کنونی آن به اهتمام آقای شیخ مهدی نجف که نخستین بار از سوی کنگره شیخ مفید چاپخانه گردید، در مجموعه نفیسه هم که به عنایت احیا گر بزرگ میراث شیعه، مرحوم آیة الله مرعشی نجفی - رفع الله درجتَه -،

در قم چاپ شده و در بیروت نیز با حروفچینی امروزین باز چاپ گردیده، طبع و نشر شده است.

این اثر همچنین پیشتر یکبار به سال ۱۳۱۳ ه.ق در قاهره و دوبار به سالهای ۱۳۱۴ و ۱۳۱۵ ه.ق در ایران چاپ و منتشر گردیده بوده است.^{۶۷}

با آنکه مسار الشیعه تاکنون چند بار چاپ شده است، و در چاپ اخیر آن، در سلسله منشورات کنگره هزاره شیخ مفید، رحمت و دقّت قابل تقدیری مبدول گردیده، متأسفانه هنوز جای چاپ محققانه‌تری از آن خالی است؛ زیرا چاپ کنونی:

أولاً، ساده‌ترین شرط یک طبع علمی راهگشا را که دارا بودن مقدمه مصحح و معّرفی نسخ مورد استفاده باشد، فاقد است و خواننده به روشنی نمی‌تواند سر در بیاورد که رموز ساز و اواره انتقادی که ضمن حواشی درج گردیده، دقیقاً راجع به چه نسخه‌ای است، آن نسخه کجاست، و چه پایه‌ای از اعتبار دارد.

ثانیاً، در مراجعه به متن آن و سنجش متن با مسار الشیعه‌ای که ضمن مجموعه نفیسه چاپ شده است، معلوم شد تفصیل دگرسانیهای همه نسخ خطی و چاپی کتاب از طریق این چاپ جدید قابل دسترس نیست؛ حال آنکه در مورد چنین متن کهن و سند نفیسی که واژه واژه‌اش در خور درنگ می‌نماید، ارائه تفصیل دگرسانیها ضرور است.

ثالثاً، به نظر رسید جای تدقیق و بهسازی بیشتر در ضبط نص هست.

رابعاً، بهترست به نحوی تطبیقی و تفصیلی تر تواریخ و مختارات شیخ مفید با اقوال و اختیارات دیگر عالمان شیعه خصوصاً و بزرگان فنّ اخبار و تاریخ اسلام عموماً، کنار هم نهاده و در قالب پژوهشنامه‌ای در ذیل یا پیوست این متن جای گیرد. در آن صورت بهره‌وری از مسار الشیعه بیشتر و شدنی تر می‌گردد.^{۶۸}

پی‌نوشت‌ها:

۱. قرآن کریم، س ۲۲، ه ۲۸.
۲. قرآن کریم، س ۱۴، ه ۵، و س ۴۵، ه ۱۴.
۳. نگر: مسار الشیعه، تحقیق شیخ مهدی نجف، ص ۱۸.
۴. نگر: جهود الشیخ المفید المقهیة، نصار، ص ۳۸.
۵. نگر: کابخانه ابن طاووس، ص ۱۵۱ و ۲۸۲-۲۸۴.
۶. شیخ مفید در گزارش روز غدیر ضمن یادکرد واقعه و حدیث غدیر و این که اوّلین کسی که آن روز به

تهییت کتاب
 نشریه علمی پژوهشی
 اسلام و ایران
 سال دهم
 شماره ۱۰
 زمستان ۱۴۰۰

- تهنیت گویی امامت حضرت علی -علیه السلام -پرداخت، عمر بن خطاب بود، خاطر نشان می‌سازد که پس از ختم سخن رسول خدا -صلی الله علیه و آله -در این مقام بود که آیه اکمال دین (س. ۵، ای ۳) فرود آمد. (نگر: مساز الشیعه، تحقیق شیخ مهدی نجف، ص ۳۹). شیخ رخدادها و مناسبتها بی را که در همین روز در امّ پیشین واقع گردیده بوده نیز در گزارش روز غدیر مورد یادگرد قرار داده است: پیروزی موسی بن عمران -علیه السلام -بر ساحران و خوارشندن فرعون و فرعونیان، رستم ابراهیم خلیل -علیه السلام -از آتش و «برد» و «سلام» شدن آتش بر او -آنسان که قرآن کریم باز گفته است، انتصاف یوش بن نون به وصایت حضرت موسی -علیهم السلام -، اظهار حضرت عیسی بن مریم -علیهم السلام -وصایت شمعون الصفا را نسبت به خویش و ... (نگر: همان، ص ۴۰ و ۴۱).
۷. مساز الشیعه، تحقیق شیخ مهدی نجف، ص ۵۸.
۸. نگر: همان، ص ۲۱.
۹. نگر: مساز الشیعه، ط. شیخ مهدی نجف، ص ۶۳.
- مساز الشیعه مطبوع در ضمن مجموعه نفیسه فاقد این انجامه گرانهای است.
۱۰. مساز الشیعه، نه تنها از مصادر بحار الأنوار علامه مجلسی (نگر: بحدار، ۱۱۹/۳۱، ۲۵۱/۱۵، ۷/۱ و ۳۷۲/۵۵ و ۶۹/۸۱) و نیز از مصادر وسائل الشیعه شیخ حرب عاملی (نگر: وسائل، ط. مؤسسه آل البيت -علیهم السلام -، ۳۶/۸، ۳۰/۲ و ۸۷ و ۱۰۶ و ۱۱۰ و ۱۱۱ و ۱۰ و ۴۵۶ و ۴۸۰ و ۴۶۶ و ۴۶۸ و ۴۷۷ و ...) در شمار است، در مؤلفات متعدد و متداول و گرایانه فقهی، چون کشف اللام فاضل اصفهانی (مشهور به فاضل هندسی / ط. قدیم، ۲۷۱/۱)، و الحدائق التاجرة (۱۰ و ۵۲۰ و ۵۳۹ و ۵۴۱ و ۳۶۹ و ۱۳ و ۳۸۱)، و جواهر الكلام (۱۹۰/۱۲ و ۲۱۳ و ۱۷ و ۹۸)، مورد استناد و استفاده بوده است.
- مساز الشیعه مفید همچنین از مصادر اصلی ارجوزه شیخ حرب عاملی بوده است (نگر: الدریعة، ۴۶۶/۱ و ۹۸/۲۲).
۱۱. نگر: مساز الشیعه، تحقیق شیخ مهدی نجف، ص ۵۹.
۱۲. نگر: همان، همان ص، هامش.
۱۳. همان، ص ۳۶.
۱۴. همان، ص ۳۷.
۱۵. همان، ص ۳۸.
۱۶. همان، ص ۴۰.
۱۷. همان، ص ۴۰.
۱۸. همان، ص ۲۵.
۱۹. همان، ص ۳۲ و ۳۳.
۲۰. نگر: همان، ص ۴۱ و ۴۲.
۲۱. نگر: همان، ص ۳۶.
۲۲. نگر: همان، ص ۵۴ و ۵۵.

۲۳. نگر: همان، ص ۴۲.

۲۴. شیخ مفید در اوائل المقالات بصراحة از گمراهی و نافرمانی و ... ی کسانی که در خلافت بر علی-علیه السلام- تقدّم جُستند سخن می دارد و آن را به مثابت «اجماع عقیدتی» ای امامیه مجال طرح می دهد. (نگر: اوائل المقالات، ط. دکتر محقق، ص ۶.)

۲۵. نگر: مسار الشیعه، تحقیق شیخ مهدی نجف، ص ۴۶.

۲۶. همان، ص ۵۳.

۲۷. نگر: همان، ص ۵۰.

۲۸. نگر: همان، ص ۵۴.

۲۹. مسار الشیعه، تحقیق شیخ مهدی نجف، ص ۳۲.

۳۰. نگر: کتابخانه ابن طاوس، ص ۲۸۳.

۳۱. مسار الشیعه، تحقیق شیخ مهدی نجف، ص ۵۹.

۳۲. همان، ص ۵۰.

۳۳. شیخ بزرگوار، محمد بن یعقوب کلینی رازی (در گذشته به سال ۳۲۹ ه. ق)، در کتاب شریف کافی نوشته است:

«ولد النبي -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا تَنْتَي عَشْرَ لَيْلَةً مُضْتَ من شَهْرِ رَبِيعِ الْأَوَّلِ فِي عَامِ الْفَيْلِ يَوْمِ الْجَمْعَةِ مَعَ الرَّوَالِ، وَرَوَى أَيْضًا عَنْ طَلُوعِ الْفَجْرِ قَبْلَ أَنْ يَبْعَثَ بِأَرْبَعينِ سَنَةٍ». (*الأصول من الكافي*، تحقیق علی اکبر غفاری/ ۴۲۹/ ۱).

۳۴. نگر: مسار الشیعه، تحقیق شیخ مهدی نجف، ص ۲۲.

۳۵. نگر: همان، ص ۴۶.

۳۶. نگر: همان، ص ۴۴.

۳۷. نگر: همان، ص ۵۰.

۳۸. نگر: همان، ص ۳۸.

۳۹. نگر: مسار الشیعه، ص ۴۹.

۴۰. نگر: همان، همان ص.

۴۱. چه به گزارش خود مفید (همان، همان ص) پیامبر اکرم -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ- به هنگام درگذشت حضرت ابوطالب -علیه السلام- هشت ساله و به هنگام ازدواج با ام المؤمنین خدیجه -سلامُ اللَّهُ عَلَيْهَا- بیست و پنج ساله بوده‌اند.

۴۲. نمونه را، محدث فقید سعید، حاج شیخ عباس قمی -قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ التَّرَیْزَ- در کتاب کرامند مُهْبَتِ الْأَمَال (ط. باقری بیدهندی، ۱/ ۳۳۲) در گزارش وفات حضرت زهرای مرضیه -صلواتُ اللَّهُ عَلَيْهَا وَعَلَيْ أَبِيهَا وَبَعْلَهَا وَبَنِيهَا- می فرماید:

بدان که در روز وفات آن حضرت اختلاف بسیار است، و اظهیر نزد احقر آن است که وفات آن حضرت در سیم جمادی الآخر واقع شده ... پس بقای آن حضرت بعد از پدر بزرگوار خود نود و پنج روز بوده؛ و اگر چه در روایت معتبر وارد شده است که مدت مکث آن مخدّره بعد از پدر خود در دنیا هفتاد و پنج روز

- بوده، لکن توان وجهی برای آن ذکر کرد... خوب است که عمل شود به هر دو طریق در اقامه مصیبت و عزای آن حضرت چنان که فعلًا معمول است.
- .۴۳. گلستان سعدی، به تصحیح و توضیح حسن انوری، ج: ۲، طهران: قطره، ۱۳۷۹ ه. ش، ص ۲۹۳.
- .۴۴. نمونه را، نگر: *مسار الشیعه*، تحقیق شیخ مهدی نجف، ص ۵۰ و ۵۱.
- .۴۵. نگر: *مسار الشیعه*، تحقیق شیخ مهدی نجف، ص ۲۵ و ۲۶.
- .۴۶. نگر: همان، ص ۲۶.
- .۴۷. نگر: همان، ص ۲۶ و ۲۷.
- .۴۸. عبارت درود در *مسار الشیعه* طبع آقای شیخ مهدی نجف (ص ۲۴) از این قرار است: «صلوات الله عليه و آله و سلم». ما ضبط *مسار الشیعه* مطبوع در مجموعه نسیه (ص ۴۴) را اختیار کردیم.
- .۴۹. *مسار الشیعه*، تحقیق شیخ مهدی نجف، ص ۲۴.
- .۵۰. نگر: همان، ص ۲۲.
- .۵۱. نگر: همان، ص ۲۳.
- .۵۲. نگر: همان، ص ۲۶.
- .۵۳. نگر: همان، ص ۲۶.
- .۵۴. نگر: همان، ص ۵۲.
- .۵۵. در *مسار الشیعه* طبع آقای شیخ مهدی نجف به جای «المسلمون»، «المسلمون» - به تندید لام- چاپ شده است که به احتمال قریب به یقین نادرستی حروف نگاشتی است.
- .۵۶. نگر: *مسار الشیعه*، تحقیق شیخ مهدی نجف، ص ۶۲.
- .۵۷. همان، ص ۲۰.
- .۵۸. برداشت اitan کُلْرُگ از واژه «مضمار»، در این مقام، با برداشت ما قدری تفاوت دارد. نگر: کتابخانه ابن طاؤس، ص ۸۲.
- .۵۹. مرآة العقول، ۱۶/۴۳۶؛ و: روضة المتنين، ۳/۴۷۲؛ و: الإقبال بالأعمال الحسنة، تحقیق قیومی اصفهانی، ۴۶۷/۱.
- .۶۰. نیز سنج: مجمع البحرین طریحی، ط. عادل، ۲/۲۸.
- .۶۱. ترجمه از مجلسی اول - رضوان الله علیہ است. نگر: لوابع صاحقرانی، ط. اسماعیلیان، ۶/۵۲.
- .۶۲. *مسار الشیعه*، تحقیق شیخ مهدی نجف، ص ۵۶.
- .۶۳. در این باره، از جمله، نگر: حدیث شناسی «۲»، علی نصیری، ج: ۱، قم: سنابل، زمستان ۱۳۸۳ ه. ش، ص ۲۱۶.
- .۶۴. *مسار الشیعه*، تحقیق شیخ مهدی نجف، ص ۵۷.
- .۶۵. نگر: کتابخانه ابن طاؤس، ص ۴۱۴.
- .۶۶. به اعتماد حافظه عرض می کنم که این دستنوشت را یکبار علامه استاد سید محمد حسین حسینی جلالی -دام علاوه - در شیکاگو چاپ عکسی کرده اند.

۶۷. از برخی نسخ خطی و چاپی مساز الشیعه، نگر: اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، مکدرموت، ص ۴۰؛ و:

اوائل المقالات، ط. دکتر محقق، ص سی و هشت؛ و: الداریعه، ۳۷۵/۲۰؛ و: تهدیب الأحكام، ۲۳/۱؛ و:

الأمالي مفید، ۱۴.

۶۸. استطراداً گفتتنی است که:

در تُراث إمامیه مساز الشیعه ی دیگری نیز هست که البته متاخر است (نگر: الداریعه، ۳۷۵/۲۰).

همچنین در کتابی موسوم به تحلیله اللائب فصل مساز الشیعه وجود داشته است (نگر: الداریعه، ۴۸۶/۳) که

نمی دانیم آیا با تأثیر مُنیف شیخ مفید ارتباطی و از آن اقتباسی داشته است یا نه و صرف تشابه نام در

میان بوده.